

واکاوی جمع آوری قرآن

از دیدگاه علامه شیخ محمد رضا جعفری نجفی *

سید نصرالله موسوی منش^۱

چکیده

تاریخ و کیفیت جمع آوری و تدوین قرآن و اینکه نخستین بار توسط چه کسی و با دستور چه شخصی صورت پذیرفته، موضوع این مقاله است که از دیدگاه علامه شیخ محمد رضا جعفری بر اساس کتاب «قرآن از تنزیل تا تدوین» بررسی می‌شود. بر اساس مهم‌ترین یافته‌های این نوشتار، همه آیات قرآن در دوران حیات رسول خدا و به دستور ایشان نگاشته شده است، اما امکان ندارد شخص رسول خدا قرآن را به شکل کتابی که آغاز و پایان آن مشخص باشد، جمع و تنظیم کرده باشد، بلکه این امر باید به دست جانشین الهی آن حضرت صورت پذیرد. البته ریشه قرآن در دوران عثمان، صحیفه‌های جمع شده در دوران ابوبکر بوده است، اما ماجرای جمع آوری قرآن در دوران خلافت ابوبکر به جهت دسترسی و استفاده عموم مسلمانان از قرآن یا به سبب نگرانی از تحریف یا از بین رفتن قرآن نبوده است.

واژگان کلیدی: قرآن؛ مصحف؛ جمع آوری قرآن؛ جعفری نجفی، محمد رضا؛ قرآن از

تنزیل تا تدوین (کتاب)

* دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵.

۱. پژوهشگر علوم اسلامی بنیاد فرهنگ جعفری/mosavimanesh14@gmail.com

مقدمه

اندیشمندان و پژوهشگران علوم قرآنی فریقین بحث جمع‌آوری و تدوین قرآن را از جهات مختلفی از سوی مورد بحث قرار داده‌اند. از سویی وجود روایات و متون تاریخی مختلف در این زمینه، موجب ایجاد آراء و دیدگاه‌های مختلف گردیده است. برخی از این دیدگاه‌ها عبارت‌اند از:

الف) جمع‌آوری قرآن در یک مصحف به همراه ترتیب آیات و سوره‌ها در زمان حیات پیامبر اکرم صورت گرفته است.

ب) جمع‌آوری آیات در عصر رسول خدا به صورت نوشته‌های پراکنده بر روی پوست، استخوان، شاخه‌های درخت خرما، کاغذ و غیره بوده است.

ج) نوشتن کل آیات قرآن در یک مصحف، نخستین بار توسط امیرمؤمنان و بلافاصله پس از رحلت پیامبر گرامی صورت پذیرفته است.

د) جمع‌آوری قرآن در زمان خلافت ابوبکر به شکل جمع‌آوری دست‌نوشته‌های پراکنده افراد بر روی پوست، استخوان، شاخه‌های درخت خرما، کاغذ و غیره بوده است.

ه) جمع‌آوری قرآن در زمان خلافت ابوبکر به صورت نوشتن آیات قرآن بر روی صحیفه‌های مختلف و بدون ترتیب آیات و سوره‌ها صورت گرفته است.

و) جمع‌آوری آیات قرآن و نوشتن آنها در یک مصحف به همراه ترتیب آیات و سوره‌ها در زمان خلافت عثمان رخ داده است.

ز) جمع‌آوری آیات قرآن و نوشتن آنها در یک مصحف به همراه ترتیب آیات و سوره‌ها در زمان خلافت عثمان رخ داده است.

ح) جمع‌آوری قرآن در زمان خلافت عثمان تنها به صورت جمع کردن مسلمانان بر یک مصحف و وادار کردن آنها به یک قرائت بوده است.

از سوی دیگر، موضوعات مهمی همچون: تحریف یا نفی آن، میزان تطابق قرآن موجود با قرآن نازل شده، حجیت قرآن، زیاده یا نقصان در قرآن، کیفیت ختم قرآن در زمان حال، اجزاء قرائت سوره‌ها در نمازهای واجب، استنباط احکام فقهی از قرآن و دیگر مسائل، اهمیت این بحث را به خوبی روشن می‌سازد.

آیت الله شیخ محمدرضا جعفری از علمای متأخر امامیه در کتاب «قرآن از تنزیل تا تدوین» چند موضوع مهم این مبحث را از نگاه روایات اهل سنت ارائه و در این زمینه دیدگاه خاص خود را عرضه کرده‌اند. در واقع، علامه جعفری به دنبال آن بود که پس از جستجو و تحقیق در منابع روایی اهل سنت و روشن کردن دیدگاه آنان، دیدگاه خاص آنان را با توجه به مبانی و روش شناسی خود تحلیل و ارزیابی کند.

این نوشتار بر آن است تا مسأله جمع آوری و تدوین قرآن را از دیدگاه این اندیشمند بزرگ بر اساس کتاب مورد اشاره بررسی کند.

جمع آوری قرآن در عصر نبوی

کلمه «جمع» در لغت، معانی و مصادیق متعددی دارد. (نک: ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، صص ۴۷۹-۴۸۰؛ فیومی، ال مصباح المنیر، ج ۱، صص ۱۰۸-۱۰۹؛ أحمد مختار، معجم اللغة العربیه المعاصره، ج ۱، ص ۳۹۲؛ جوهری، الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۹۸؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۵۳؛ ابن درید، جمهره اللغة، ج ۱، ص ۴۸۳؛ فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۲۳۹؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۱۱، صص ۷۰-۷۱؛ مجمع اللغة العربیه، المعجم الوسیط، ج ۱، صص ۱۳۴-۱۳۵) منظور از جمع آوری قرآن در عصر نبوی «قرار گرفتن و ترتیب آیات در یک واحد کوچک به نام سوره و ترتیب سوره‌ها در یک واحد کل به نام قرآن مجید» است. آنچه قطعی و مسلم است اینکه امکان ندارد شخص پیامبر قرآن را جمع کرده باشد؛ چرا که آن حضرت از سوی خویش هرگز نمی‌توانست زمان اتمام و ختم وحی الهی را اعلام کند، مگر اینکه خداوند متعال به ایشان خبر می‌داد که پس از این دیگر به تو وحی نخواهد شد. اما چنین کاری را خالق یکتا با هیچ پیامبری انجام نداده است، زیرا این کار به معنای اتمام نبوت آن پیامبر به شمار می‌آید و رسول الهی بودن دیگر معنایی نخواهد داشت.

جمع با این معنا که هر چه بر رسول خدا نازل می‌شد، امیرمؤمنان به دستور آن حضرت آنها را می‌نوشته و سپس این نوشته‌ها نزد پیامبر گردآوری می‌شد، صحیح است و بدین گونه بود، اما جمع به معنای اینکه کتابی تنظیم شود که آغاز و پایان آن مشخص باشد، صحیح نیست؛ چرا که معنای این کار آن است که قرآن ساخته خود خاتم انبیاء باشد.

درست همانند شاعری که بخواهد تمام شعرهای خود را گرد آورد. چنین کاری برای او ممکن است، اما اگر فرد دیگری همچون منشی وی بخواهد شعرهای این شاعر را تا وقتی که او در قید حیات است جمع کند، از آنجا که نمی‌داند این شاعر تا چه زمان زنده است، به قطع نمی‌تواند ادعا کند که تمام شعرهای این شاعر را گرد آورده است چرا که تا وقتی آن شاعر زنده است ممکن است شعر بسراید و معلوم نیست شعر سرودن این شاعر تا چه زمانی ادامه پیدا کند. بنابراین، چنین جمعی در مورد شعر یک شاعر معنا ندارد، چه رسد به رسولی که منتظر وحی الهی است و آگاه نیست که وحی الهی تا چه زمان ادامه پیدا می‌کند. (جعفری، قرآن از تنزیل تا تدوین، صص ۳۱-۳۲)

بررسی دلایل طرفداران جمع قرآن در عصر نبوی

طرفداران نظریه جمع آوری و تألیف قرآن در دوران رسول خدا برای دیدگاه خود ادله‌ی برشمرده‌اند که مهم‌ترین ادله آنان به شرح ذیل است:

۱. اطلاق لفظ کتاب بر قرآن

طرفداران نظریه جمع آوری قرآن در زمان حیات پیامبر اکرم می‌گویند که «قرآن از خود به کتاب تعبیر کرده است» و کتاب عبارت است از «مجموعه‌ای از نوشته‌ها که بر کاغذ یا غیره ثبت شده و دارای ابتدا و انتها باشد». بنابراین، مصحف فعلی در عصر نبوی به همین شکل بوده است (نک: ابن شهر آشوب، متشابه القرآن و مختلفه، ج ۲، ص ۷۷؛ شرف الدین، أجوبة مسائل جارا لله، صص ۳۶، ۳۷؛ خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۵۲)

در پاسخ باید گفت: این دلیل مغالطه‌ای بیش نیست؛ چرا که قرآن از همان آغاز نزول و قبل از نزول تمام آیات نیز از خود به «کتاب» تعبیر کرده است، آنجا که می‌فرماید: ﴿الرَّكِبَاتُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم، ۱/۱۴)، یا ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره، ۲/۲). اما در جای دیگر از لفظ «کتاب»

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾. سوره بقره،

و «کتاباً»^۱ استفاده کرده که به معنای تثبیت است. به همین جهت، به نقش (نوشته) کتابت می‌گویند چون الفاظ در آن ثابت می‌شود و نمی‌توان آنها را تغییر داد. از این مقدمات معنای کتاب بودن قرآن به دست می‌آید که قرآن یک سلسله الفاظ خاصی است که تغییر آنها از سوی پیامبر اکرم نیز غیر ممکن بوده است. اگر «کتاب» به معنای صفحه نوشته شده باشد جای آن در قلب نمی‌بود، بلکه جای آن در دستان مبارک رسول خدا بود که هیچ وقت در دستان آن حضرت نوشته‌ای مشاهده نشد. بنابراین، قرآن به معنای نوشته نیست، بلکه به صورت قرائت است و لفظ کتاب در این بحث همان معنای لغوی؛ یعنی «الفاظ تثبیت شده» است. (نک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۰، صص ۲۱-۲۳؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۲۳؛ قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، صص ۸۲-۸۳)

۲. روایات ختم قرآن در عصر نبوی

دلیل دیگر طرفداران نظریه جمع آوری قرآن در زمان حیات پیامبر اکرم، روایاتی است که رسول خدا به ختم قرآن ترغیب کرده است. (نک: نسایی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۷۶؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۳، ص ۱۲۹؛ بیهقی، شعب الإیمان، ج ۳، صص ۴۲۲، ۴۳۰ و ۴۳۴؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، صص ۳۴۹ و ۵۹۰)

در بررسی این دلیل می‌گوییم: روایات ختم قرآن از دو صورت خارج نیست:

اول: ختم قرآن در عصر نبوی به این معنا که آنچه تا کنون ابلاغ شده و آن مقداری که آن شخص دریافت کرده و حفظ کرده، خوانده شود.

دوم: ختم قرآن پس از رحلت رسول خدا که به معنای خواندن همان قرآن موجود در دست مسلمانان از ابتدا تا انتهاست؛ چرا که قرآن پس از رحلت پیامبر، یا جمع عثمان است (که برگرفته از جمع ابوبکر بود) یا جمع امیرمؤمنان است؛ جمع امیرمؤمنان در دسترس مردم نبوده و تنها جمع عثمان در دست آنان بوده است. بدین روی وظیفه مسلمانان خواندن همان قرآن بوده و هست.

۱. «... إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا». سوره نساء، ۱۰۳/۴.

۳. روایات جمع‌آوری قرآن در عصر نبوی

دلیل دیگر طرفداران نظریه جمع‌آوری قرآن در زمان حیات پیامبر اکرم روایاتی است که حکایت از جمع‌آوری قرآن توسط برخی افراد در عصر رسول خدا می‌کند. (نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۳۷ و ج ۶، ص ۱۸۷؛ مسلم نیشابوری، الجامع الصحیح، ج ۷، ص ۱۴۹-۱۵۰؛ أحمد بن حنبل، المسند، ج ۲۱، ص ۱۱۴ و ۳۲۹؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۹، ص ۱۷۸؛ ابن حبان، الصحیح، ج ۳، ص ۳۳؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۵۸۹)

در نقد این دلیل بیان چند نکته ضروری است:

اول: طرفداران این نظریه به روایاتی اعتماد کرده‌اند که از طریق همان ناقلین قرآن به ما رسیده است. قرآن موجود به روایت امامان معصوم، از طریق راویانی همچون زراره، محمد بن مسلم و غیره به دست ما نرسیده، بلکه از همان طریقی به ما رسیده که احادیث بخاری، مسلم و غیره رسیده است. اگر این ناقلین راستگو هستند، در روایات کیفیت جمع‌آوری قرآن نیز باید سخن آنها را پذیرفت و اگر صادق نیستند چگونه می‌توان به قرآنی که آنها به ما تحویل داده‌اند اعتماد کرد؟

دوم: با فرض پذیرش روایات جمع‌آوری قرآن در زمان حیات پیامبر، باید گفت: نام‌های وارد شده در این روایات، محدودند و نهایت مطلبی که می‌رسانند این است که افرادی در آن دوران قرآن را گرد آورده‌اند، اما قرآن موجود جمع‌آوری هیچ یک از این افراد نیست. سوم: اگر روایاتی جمع‌آوری قرآن توسط افرادی در زمان پیامبر اکرم را برسانند، نشان می‌دهند که بسیاری از آنان علاوه بر آنچه می‌شنیدند، عنایت داشتند به اینکه بخش‌هایی را نیز به حافظه بسپارند، اما دلیلی بر این گفته وجود ندارد که هر چه بوده را حفظ کرده‌اند و هیچ‌آیه‌ای از آنها فوت نشده است.

در نتیجه باید گفت: راهی نیست جز اینکه قرآن باید به خط امیرمؤمنان نوشته و تنظیم گردد. رسول خدا نیز در لحظات آخر عمر شریف خود به ایشان فرمود: «ای علی، قرآن به صورت نوشته‌های پراکنده در صحیفه‌ها، حریر و کاغذ پشت رختخواب من است، پس آن را بردارید و جمع نمایید و همان‌گونه که یهود تورات را تزییع نمودند آن

را تزییع نکنید»^۱ که پس از رحلت پیامبر اکرم همان نوشته‌ها مصحف امیرمؤمنان شد؛ اما با کمال تأسف این قرآن نه به دست کسی غیر از آن حضرت رسید و نه قرآن ایشان را کسی پذیرفت.

جمع نشدن قرآن و ملازم نبودن آن با بی‌توجهی پیامبر

جمع نشدن قرآن توسط پیامبر اکرم هرگز به معنای بی‌توجهی یا بی‌مسئولیتی آن حضرت در این خصوص نیست. به دیگر عبارت: جمع نشدن قرآن توسط رسول خدا تفریط در امر اُمت نبوده، بلکه عکس این قضیه باعث تفریط در امر رسالت الهی می‌شد؛ چرا که آن حضرت بر اساس آیاتی همچون: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...» (مائده، ۶۷/۵) و «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ...» (احزاب، ۳۹/۳۳) بنا بود حامل وحی الهی باشد نه قائل آیات.

جمع آوری توسط «مبلِّغ وحی الهی» معنایی ندارد؛ چرا که اگر این کار صورت بگیرد، بدین معنا خواهد بود که پس از این دیگر وحیی نازل نخواهد شد و این امر هرگز در اختیار شخص رسول خدا نبوده است. بنابراین کار جمع آوری آیات باید به دست جانشینی امین بر دین و وحی الهی همانند خود پیامبر صورت پذیرد. (نک: جعفری، قرآن از تنزیل تا تدوین، صص ۵۲-۵۳)

پیام رسول خدا از سپردن جمع قرآن به امیرمؤمنان

سپردن جمع آوری قرآن به امیرمؤمنان از سوی پیامبر اکرم دو پیام دارد: یکی اینکه قرآن از عترت قابل انفکاک نیست؛ دوم اینکه تنها راه رسیدن به قرآن، امامت و ولایت است. در توضیح این دیدگاه باید گفت: از جمله اسبابی که باعث شد خاتم انبیاء پس از رحلت خویش جمع آوری قرآن را به امیرمؤمنان بسپارند، تثبیت این نکته بود که این دو ثقل و

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع، قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِعَلِيِّ ع: يَا عَلِيُّ، الْقُرْآنَ خَلْفَ فُرَاشِي فِي الصُّحُفِ، وَالْحَرِيرِ، وَالْقَرَاطِيسِ، فَخُذُوهُ وَاجْمَعُوهُ وَلَا تُضَيِّعُوهُ كَمَا ضَيَّعَتِ الْيَهُودُ التَّوْرَةَ...» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۴۸؛ قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۵۱؛ فیض کاشانی، التفسیر الصافی، ج ۱، ص ۴۰؛ همو، الوافی، ج ۹، ص ۱۷۸۰)

یادگار (قرآن و عترت) از هم قابل تفکیک نیستند؛ یعنی اگر کسی به امام معصوم مراجعه نکند، قرآن نیز در دست او نخواهد بود. در واقع اگر مسلمانان به آن شخصی که پیامبر به عنوان «یادگار دوم»^۱ تعیین و معرفی کرده رجوع نکنند، آن قرآنی را که حضرتش خواسته، در دست ندارند.

بنابراین، رسول خدا کاری انجام دادند که کسی جز از راه امامت نتواند به قرآن برسد و لذا هر آنچه مربوط به قرآن باشد (همانند جمع‌آوری آن، ثواب قرائت، ختم، تفسیر، احکام و...) تنها از راه پذیرش امامت و ولایت قابل دسترسی خواهد بود. بر این اساس، اگر کسی در حال حاضر بخواهد به کتاب الهی عمل کند، تا ولایت دوازده امام معصوم را نپذیرد و راه آن بزرگواران را نپیماید، نمی‌تواند ادعا کند که به کتاب الهی عمل کرده است؛ چرا که هیچ راهی برای رسیدن به کتاب الهی جز این راه وجود ندارد. به یقین، أهل بیت همین قرآن را قرائت می‌کردند و به آن استدلال می‌نمودند و تمام روایات امامیه که در آنها استدلال قرآنی آمده از همین قرآن مجید بوده است. به همین جهت، شیعیان دوازده امامی در مورد قرآن کنونی هیچ نگرانی ندارند؛ چون در تمام زمان‌ها به دستور امامان معصوم خود که عمل بر اساس همین قرآن موجود است، پایبند بوده‌اند. (نک: جعفری، قرآن از تنزیل تا تدوین، صص ۶۰-۶۱)

جمع‌آوری قرآن در دوران ابوبکر

دیدگاه بسیاری از اندیشمندان أهل سنت چنین است که جمع‌آوری قرآن در زمان خلافت ابوبکر صورت پذیرفته است، اما در کیفیت و چگونگی آن با یکدیگر اختلاف دارند. اختلاف دیدگاه این اندیشمندان به سبب اختلاف در روایات وارد شده در موضوع مورد بحث است. در منابع حدیثی آنان روایت مشهور و مفصلی از زید بن ثابت نقل شده که چگونگی جمع‌آوری قرآن در آن دوران را شرح می‌دهد. (نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج ۶، ص ۷۱ و ج ۹، صص ۷۴-۷۵؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۲، صص ۶۰-۶۱؛ أحمد بن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۲۳۸؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۵، صص ۱۴۶-۱۴۹؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۱۶۰-۱۶۱؛ مؤزی، تهذیب الکمال، ج ۱۹، صص ۲۰۸-۲۰۹)

۱. دوم به لحاظ موقعیت نیست، بلکه به لحاظ شمارش است.

در ابتدا باید گفت: مصحف موجود یا همان مصحفی که خلفا جمع کرده‌اند، ریشه‌اش دست‌نوشته‌های پیامبر نبوده است تا بتوان ادعا کرد حتی یک کلمه از آن آیاتی که بر رسول خدا نازل شده از آن کم نشده باشد، بلکه ریشه‌اش همان جمع زید بن ثابت - قطب حرکت جمع آوری قرآن از آغاز (دوره ابوبکر) تا سرانجام (دوران عثمان) - است. بنابراین، همان کس که مصحف کنونی از دستش به ما رسیده، همو نیز کیفیت آن را بیان کرده است. گفته شده نخستین اقدام بر جمع مصحف فعلی در زمان ابوبکر بوده است. برخی نیز گفته‌اند به زمان عمر کشیده شد و عمر نیز در این راستا اقدامی انجام داد. دومین یا سومین مرحله جمع آوری که شکل موجود را به آن داد عثمان بود. آنچه گفته شد بر اساس تاریخ جمع آوری قرآن قطعی است، هر چند اگر کسی بخواهد سخنی بر مبنای خاصی بگوید تا هیچ غیر مسلمانی نتواند اشکال کند، می‌تواند ادعا کند که مصحف عثمانی کنونی در زمان پیامبر نوشته شده است، اما چنین ادعایی با اینکه آسان است با واقعیت سازگاری ندارد.

با توجه به این نکته خواهیم گفت، برداشت کلی از مضمون روایت زید بن ثابت چنین است: پس از رحلت پیامبر اکرم و به خلافت رسیدن ابوبکر، کشتار اهل یمامه اتفاق افتاد که بنابر گفته اهل سنت چهارصد نفر از حافظان و قاریان قرآن در این جنگ کشته شدند. از سویی در این مدت سؤالی ایجاد شد که آیا امکان دارد خلیفه پیامبر، نه خود حافظ قرآن باشد و نه نسخه‌ای از قرآن آن حضرت در اختیار داشته باشد؟ لذا ابوبکر تصمیم گرفت قرآن را به این منظور گرد آورد تا چیزی در اختیار داشته باشد و در مقابل پرسش‌گری مربوط به قرآن پیامبر پاسخی داشته باشد (نک: جعفری، قرآن از تنزیل تا تدوین، صص ۱۴۱-۱۴۳).

نکاتی از روایت زید بن ثابت

از فرازهای مختلف روایت زید بن ثابت نکات مهمی برداشت می‌شود؛ از جمله:

- ۱- پس از آنکه کشتار در جنگ یمامه قاریان و حافظان قرآن رافرا گرفت، ابوبکر برای متقاعد کردن زید بن ثابت به جمع آوری قرآن، به او می‌گوید: «وَإِنِّي أَخَشِي أَنْ يَسْتَحِرَّ الْقَتْلُ بِالْفُرَّاءِ فِي الْمَوَاطِنِ فَيَذْهَبَ كَثِيرٌ مِنَ الْقُرْآنِ» (من بیم دارم که همین وضعیت و فراگیری در سایر

موقعیت‌های جنگی شامل قاریان قرآن شود و با کشته شدن حافظان قرآن، آیات فراوانی نیز از بین برود).

باید گفت: چگونه می‌توان اثبات کرد که در مجموع حافظه آن چهارصد قاری و حافظ قرآن که در جنگ کشته شدند، آیات بیشتری افزون بر آنچه در زمان جمع‌آوری قرآن از نوشته‌ها و حافظه دیگران گردآوری شد، وجود نداشته است و آنچه در حافظه آنان بوده، همان است که به ما رسیده است؟

۲- ابوبکر پس از اینکه شرح ماجرا را برای زید بن ثابت بیان می‌کند، از قصد خود پرده برداشته و به زید چنین می‌گوید: «فَتَتَّبِعَ الْقُرْآنَ فَأَجْمَعُهُ» (پس قرآن را تتبع کن و آن را گرد آور). زید در اینجا نقل می‌کند: «فَوَاللَّهِ لَوْ كَلَّفَنِي نَقْلَ جَبَلٍ مِّنَ الْجِبَالِ مَا كَانَ أَثْقَلَ عَلَيَّ مِمَّا أَمَرَنِي بِهِ مِنْ جَمْعِ الْقُرْآنِ» (به خدا سوگند، چنانچه جابه‌جایی یکی از کوه‌ها را به من می‌سپردند، بر من سنگین‌تر از تکلیف و بار سنگین جمع‌آوری قرآن که بر دوشم گذاشته‌اند نبود).

از این فراز آشکار می‌شود که زید، خود تا آن روز قرآن را جمع‌آوری نکرده بود؛ چرا که در غیر این صورت، آنها از آنجا که به زید اعتماد کامل داشتند باید می‌گفتند: قرآن خود را بیاور تا از آن نسخه‌برداری کنیم. اما سنگینی‌ای که زید از آن سخن می‌گوید بدان جهت بوده که حاکمان وقت به کسانی که کل قرآن نزد آنها بوده دسترسی نداشته‌اند. در واقع تنها کسی که به یقین کل قرآن نزد ایشان بوده و حاکمان به قرآن وی دسترسی نداشته‌اند، همان کسی بود که خلافت را از او گرفته‌اند. در آن روز همه می‌دانستند قرآنی که به دستور پیامبر اکرم نوشته می‌شد نزد امیرمؤمنان است؛ از این رو، خلفا به ناچار باید از تکه‌پاره‌های موجود که یقین به نقص آنها داشته‌اند، قرآن را گرد آورند.

۳- زید بن ثابت در پاسخ به آنچه ابوبکر قصد کرده بود، چنین می‌گوید: «قُلْتُ: كَيْفَ تَفْعَلَانِ شَيْئًا لَمْ يَفْعَلْهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وآله] وَسَلَّمَ؟» (گفتم: چگونه می‌خواهید کاری را انجام دهید که پیامبر، آن را انجام نداده است؟).

۱. شاهد این مطلب آن است که بر اساس روایات اهل سنت، تا زمان عثمان، آیه‌ای از سوره احزاب در قرآن جمع‌آوری شده در دوران ابوبکر، وجود نداشت.

نکته قابل تأمل در این جمله آن است که اهل سنت برای رسول خدا کاتبان وحیی برمی‌شمارند (نک: زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۱، ص ۲۰ و ج ۲۸، ص ۴۰؛ تونسسی، التحریر والتنوییر، ج ۳۰، ص ۱۱۸؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۳۴۸؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۱۵۳؛ ابن جوزی، کشف المشکل من حدیث الصحیحین، ج ۲، ص ۹۶)، از جمله خود زید که در ابتدای همین روایت مورد بحث آمده است. بنابراین، اگر پیامبر کاتبان وحی داشته، چگونه ممکن است که ایشان آیات پراکنده قرآن را در یک انبان یا پارچه و غیره گردنیاورده باشد؟ پس این جمله چه معنایی دارد و پیامبر اکرم چه کاری را انجام نداده است؟ اگر منظور این است که آن حضرت قرآن را ننوشته، این امر با مدعای آنان مبنی بر بودن کاتبان وحی سازگاری ندارد. اما چنانچه کاتبان وحی به دستور رسول خدا هر آنچه را نازل می‌شد نوشته و این نوشته‌ها دست خلفا بوده، سنگینی ای که زید از آن سخن می‌گوید برای چیست؟ اگر مراد از کاری که پیامبر آن را انجام نداده بی‌عنایتی به وحی بوده است، این نیز برخلاف مدعای آنهاست؛ چرا که بودن چندین کاتب وحی برای حضرت نشانه عنایت ایشان به قرآن است.

اگر منظور این باشد که رسول خدا پایان قرآن را اعلام نفرموده است و به همین جهت قرآن در یک مصحف که پایان آن مشخص باشد جمع نگردید، چنین سخنی صحیح است؛ چرا که پایان قرآن معلوم نبود و با رحلت آن بزرگوار و انقطاع وحی، پایان آن نیز معلوم گردید، اما خود خلفا به جز کاری که پیامبر اکرم انجام داد کار دیگری انجام ندادند، آنها تنها قرآن را در یک انبان، پارچه و غیره جمع کردند و حتی برای آن ابتدا و انتهای ذکر نکردند. بنابراین، لازمه سخن آنان اعتراف به این است که آن کاری که رسول خدا انجام داده در دسترس آنها نبوده است.

۴- زید بن ثابت در پایان روایت می‌گوید: «وَكَاَنَتِ الصُّحُفُ الَّتِي جُمِعَ فِيهَا الْقُرْآنُ عِنْدَ أَبِي بَكْرٍ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ، ثُمَّ عِنْدَ عُمَرَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ، ثُمَّ عِنْدَ حَفْصَةَ بِنْتِ عُمَرَ» (صحیفه‌هایی که آیات قرآن در آنها جمع آوری شد نزد ابوبکر بود تا وقتی که از دنیا رفت، سپس نزد عمر تا وقتی که از دنیا رفت و پس از آن به حفصه دختر عمر رسید).

از ظاهر این گفته روشن می‌شود که غیر از زید بن ثابت و افرادی که او نام می‌برد، کسی دیگر این قرآن را ندیده است تا صحت آن تأیید شود؛ چرا که هدف ابتدایی خلفا از جمع‌آوری قرآن دسترسی مسلمانان به قرآن نبود، بلکه هدف آنان از این جمع‌آوری رفع اشکال وارد شده بر خلیفه بابت حافظ نبودن و نداشتن قرآن پیامبر بود. از این رو، تا قبل از جنگ یمامه و قبل از کشته شدن دوستان خلیفه (یا به تعبیری محافظان نظام جدید) که در کنار او بودند، خلیفه هر سؤالی درباره قرآن را به آنان ارجاع می‌داد و هیچ‌گاه سؤال‌کنندگان را به امیرمؤمنان ارجاع نمی‌داد.

هنگامی که جنگ یمامه رخ داد و قاریان و حافظانی که در کنار خلیفه بوده‌اند کشته شدند، ارجاع دادن امکان‌پذیر نبود. لذا حاکمان باید به فکر چاره‌ای می‌افتادند و چیزی را جمع می‌کردند تا خود را از این اشکال بزرگ رها سازند. اما قاریان و حافظان بزرگ، دیگر نه از ابوبکر فرمان‌پذیری داشتند و نه آن گونه که منافع خلیفه اقتضا می‌کرد، کار را انجام می‌دادند، لذا جمع‌آوری قرآن را به زید بن ثابت سپردند؛ چون او منافع خلفا را در مسیر سیاسی به درستی می‌فهمید و آنها را حفظ می‌کرد. این همان معنای تعبیر خطاب به اوست که: «إِنَّكَ رَجُلٌ، شَابٌّ، عَاقِلٌ، وَلَا نَنْتَهِمُكَ». متون تاریخی نیز این ادعا را تأیید می‌کنند.

از مطالب یادشده می‌توان نتیجه گرفت که ماجرای جمع‌آوری قرآن در دوران خلافت ابوبکر، به جهت دسترسی و استفاده عموم مسلمانان از قرآن یا به سبب نگرانی از تحریف یا از بین رفتن قرآن و غیره نبوده، بلکه جمع‌آوری تنها به سبب منافع شخصی حاکمان و سرپوش گذاشتن بر اعمال آنان بوده است.

جمع‌آوری قرآن در زمان خلافت عثمان

نسبت به موضوع جمع‌آوری قرآن در زمان خلافت عثمان اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی بر این باورند که قرآن توسط او گردآوری شد. بر اساس برخی دیدگاه‌های دیگر، عثمان تنها مسلمانان را بر یک مصحف جمع کرد و به یک قرائت و ادار ساخت، اما در هر صورت ریشه قرآن در دوران خلافت عثمان، همان صحیفه‌های جمع شده در زمان خلافت ابوبکر بوده است.

در منابع روایی اهل سنت روایت مفصلی از انس بن مالک نقل شده که جمع آوری قرآن در دوران عثمان را توضیح می‌دهد. (نک: بخاری، الجامع الصحیح، ج ۶، صص ۱۸۳-۱۸۴؛ سیوطی، الإتقان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۱۶۴-۱۶۵؛ ابن ابی داود، المصاحف، ص ۸۸) با بررسی این روایت، نکات بسیاری از آن استخراج می‌شود که در اینجا تنها به دو نکته مهم آن اشاره می‌شود.

۱- در روایت مورد بحث چنین آمده است: «فَأَفْرَغَ حَذِيفَةَ اخْتِلَافُهُمْ فِي الْقِرَاءَةِ» (اختلاف قرائت مردم موجب نگرانی شدید حذیفه شد).

درباره این کلام باید گفت: ریشه ماجرا به دوران خلافت عمر بن خطاب بر می‌گردد، آنجا که به صحابه بزرگ، اجازه خروج از مدینه و رفتن به اطراف بلاد اسلامی را نمی‌داد؛ بلکه این اجازه را تنها به کسانی می‌داد که از سوی آنان خطری متوجه حکومت نمی‌شد؛ مشروط بر اینکه فقط قرآن برای مردم بخوانند و حدیثی از پیامبر نقل نکنند. افرادی که در بلاد اسلامی منتشر شده بودند، نیز به میزان علم و شیوه یادگیری خود قرآن را آموزش می‌دادند. این مسأله بر میزان، کیفیت و چگونگی یادگیری دانش‌آموختگان اثر می‌گذاشت و باعث می‌شد سوره‌های قرآن به شکل متفاوت و با اختلاف در تعداد و ترتیب آیات قرائت شوند. این نکته به مرور زمان باعث اختلاف، نزاع و گاهی نیز باعث کشتار می‌شد. البته اهل سنت این اختلاف را ناشی از همان اختلاف در نزول قرآن بر «سبعة أحرف» می‌دانند، اما اختلاف در نزول قرآن بر «سبعة أحرف» ارتباطی به اختلاف در ترتیب سوره‌ها و تعداد آیات ندارد. بنابراین، اگر در آن زمان یک قرآن متواتر در دست مسلمانان بود، نباید چنین اختلافی که خود اهل سنت نیز به آن اذعان دارند، به وجود می‌آمد. (نک: جعفری، قرآن از تنزیل تا تدوین، صص ۱۸۶-۱۸۷)

۲- در جمله دیگر از روایت مورد بحث، عثمان به آن گروه سه نفره قریش که قرار بود به همراه زید بن ثابت قرآن را از صحیفه‌های ابوبکر نسخه برداری کنند، می‌گوید: «إِذَا اخْتَلَفْتُمْ أَنْتُمْ وَزَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ فِي شَيْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ فَارْتَبِعُوا بِلِسَانِ قُرَيْشٍ، فَإِنَّمَا نَزَلَ بِلِسَانِهِمْ» (اگر در آیاتی از قرآن با زید بن ثابت اختلاف کردید، آیات را به گویش قریش بنویسید؛ چرا که قرآن به گویش آنان نازل شده است).

در باره این گزارش باید گفت: ظاهراً مراد از «نسخه برداری» رونوشت است، چون قرار بود مصحف عثمان از روی صحیفه‌های نوشته شده در زمان خلافت ابوبکر نسخه برداری شود. به همین جهت عثمان آن صحیفه‌ها را از حفصه مطالبه کرد، پس نوشته‌ای در مقابل بوده است. در این صورت اختلافی به وجود نمی‌آمد تا به گویش قریش نوشته شود؛ چرا که برای اطمینان، پس از پایان کار می‌توانستند دو نسخه را با هم مقایسه کنند و از صحت نسخه نوشته شده آگاه شوند.

اما می‌توان جمله عثمان را بر این معنا حمل کرد که قریش الفاظی دارد که عرب‌های غیر قریش معنای آنها را نمی‌دانند. در این صورت اختلاف در معنای کلمه خواهد بود و اختلاف در معنا هیچ تأثیری در نوشتن کلمه نخواهد گذاشت؛ چرا که بحث در اختلاف آوای صوتی نیست، بلکه در نوشتن کلمه است که رموز خطی (شکل نوشتن حروف) یکی بوده است. بدین روی نسخ‌کنندگان باید کلمه را به هر شکلی که در صحیفه‌ها نوشته شده بود، رونوشت می‌کردند که در این صورت هیچ اختلافی به وجود نمی‌آمد.

می‌توان گفت: این سخنان تنها برای پرده‌پوشی از هدف اصلی گوینده است. نپذیرفتن قرآن امیرمؤمنان، شرکت ندادن صحابه بزرگ در این رونویسی، اعتنا نکردن به نگاه‌های دیگر صحابه در این رونویسی، اختلاف مصحف‌های دیگران با مصحف جمع شده، سوزاندن سایر مصحف‌ها و نوشته‌های صحابه، حذف شأن نزول‌ها و تأویل‌ها از مصحف جمع‌آوری شده و بسیاری از شواهد دیگر مؤید این ادعا هستند. (نک: جعفری، قرآن از تنزیل تا تدوین، صص ۱۸۹-۱۹۱)

نتیجه‌گیری

از این نوشتار می‌توان چنین نتیجه گرفت: موضوع قطعی و مورد پذیرش فریقین این است که تمام آیات قرآن در زمان حیات پیامبر اکرم نگاه‌اشته شده و نزد آن حضرت نگه‌داری می‌شد؛ اما برای ادعای ترتیب آیات و قرار گرفتن آنها در یک واحد کوچک به نام سوره و ترتیب سوره‌ها در یک واحد کل به نام قرآن مجید و نگاه‌اشتن آنها در یک مصحف که ابتدا و انتهای آن مشخص باشد، ادله کافی و قانع‌کننده‌ای وجود ندارد و تمام ادله

اقامه شده در این زمینه مورد خدشه و مناقشه قرار گرفته است. اساساً رسول خدا قائل آیات نبود، بلکه حامل و مبلغ وحی الهی بود، لذا انجام چنین کاری توسط شخص ایشان باعث تفریط در امر رسالت الهی می‌شد؛ چرا که اگر این کار صورت می‌پذیرفت، معنای آن چنین می‌بود که از این پس دیگر وحیی نازل نخواهد شد. چنین امری علاوه بر نامعقول بودن آن از سوی خداوند متعال، هرگز در اختیار پیامبر اکرم نبوده است.

پس بر اساس این مبنا باید کار جمع آوری و تدوین قرآن به دست جانشین امین بر دین و وحی الهی همانند خود پیامبر صورت پذیرد. رسول گرامی نیز در واپسین لحظات عمر شریف خویش کار جمع و تنظیم کل آیات قرآن پراکنده در صحیفه‌ها، حریر، کاغذ و غیره را که نزد خود نگه داری می‌شد، به امیرمؤمنان سپرد که پس از رحلت پیامبر اکرم همان نوشته‌ها مصحف امیرمؤمنان شد، اما با کمال تأسف این قرآن نه به دست کسی غیر از آن حضرت رسید و نه قرآن ایشان را کسی پذیرفت.

ریشه قرآن کنونی نیز که به عثمان نسبت داده می‌شود، صحیفه‌های جمع آوری شده در زمان خلافت ابوبکر می‌باشد که کیفیت جمع آوری آن نیز از طریق همان جمع‌کنندگان شرح و توضیح داده شده است.

فهرست منابع

قرآن مجید

ابن ابی داود: عبدالله بن سلیمان (۳۱۶ق)، المصاحف، تحقیق: محمد بن عبده، قاهره - الفاروق الحدیثه، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م.

ابن جوزی: عبدالرحمن بن علی (۵۹۷ق)، کشف المشکل من حدیث الصحیحین، تحقیق: علی حسین البواب، الرياض - دارالوطن، چاپ اول، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م.

ابن حبان: محمد بن حبان (۳۵۴ق)، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.

ابن درید: محمد بن حسن (۳۲۱ق)، جمهرة اللغة، تحقیق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت - دارالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۹۸۷م.

ابن شهر آشوب: محمد بن علی (۵۸۸ق)، متشابه القرآن ومختلفه، تهران - مکتبه بوذرجمهری، ۱۳۲۸ش.

ابن عساکر: علی بن حسن (۵۷۱ق)، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: عمرو بن غرامة العمروی، بیروت - دارالفکر، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م.

- ابن فارس: أحمد بن فارس (۳۹۵ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مكتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن كثير: إسماعیل بن عمر (۷۷۴ق)، تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن كثير)، تحقیق: يوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت - دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.
- ابن منظور: محمد بن مکرم (۷۱۱ق)، لسان العرب، بیروت - دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- أحمد بن حنبل: أحمد بن محمد (۲۴۱ق)، المسند (مسند أحمد)، تحقیق: شعيب الأثرؤوط - عادل مرشد و...، مؤسسه الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.
- أحمد مختار: أحمد مختار عبدالحمید عمر (۱۴۲۴ق)، معجم اللغة العربية المعاصرة، بی جا، عالم الكتب، چاپ اول، ۱۴۲۹ق/۲۰۰۸م.
- بخاری: محمد بن إسماعیل (۲۵۶ق)، الجامع الصحيح (صحيح البخاری)، تحقیق: محمد زهير بن ناصر الناصر، بی جا، دارطوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- بيهقي: أحمد بن حسين (۴۵۸ق)، السنن الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت - دارالکتب العلمية، چاپ سوم، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م.
- بيهقي: أحمد بن حسين (۴۵۸ق)، شعب الإيمان، تحقیق: عبدالعلی عبدالحمید حامد، رياض - مكتبة الرشد/بومبای هند - الدارالسلفية، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۳م.
- تونسی: محمد طاهر بن محمد (۱۳۹۳ق)، التحرير والتنوير، تونس - الدارالتونسية، ۱۹۸۴ق.
- جعفری: محمد رضا بن نصرالله (۱۳۸۹ش)، قرآن از تنزیل تا تدوین، تحقیق: سید نصرالله موسوی منش، تهران - تک، چاپ اول، ۱۳۹۹ش.
- جوهری: إسماعیل بن حماد (۳۹۳ق)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقیق: أحمد عبدالغفور العطار، بیروت - دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م.
- خویی: أبوالقاسم بن علی اکبر (۱۴۱۳ق)، البيان في تفسير القرآن، بیروت - دارالزهراء، چاپ چهارم، ۱۳۹۵ق/۱۹۷۵م.
- راغب اصفهانی: حسين بن محمد (۵۰۲ق)، المفردات في غريب القرآن، بی جا، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- زبيدي: محمد مرتضى (۱۲۰۵ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شیری، بیروت - دارالفکر، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م.
- زحیلی: وهبة بن مصطفى (۱۴۳۶ق)، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، دمشق - دارالفکر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
- سيوطی: عبدالرحمن بن أبي بكر (۹۱۱ق)، الإتقان في علوم القرآن، تحقیق: سعيد المنذوب، بیروت - دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.
- شرف الدين: عبدالحسين بن يوسف (۱۳۷۷ق)، أجوبة مسائل جار الله، صيدا - مطبعة العرفان، چاپ دوم، ۱۳۷۳ق/۱۹۵۳م.

- طبرانی: سلیمان بن أحمد (۳۶۰ق)، المعجم الكبير، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، بی تا.
- فراهیدی: خلیل بن أحمد (۱۷۰ق)، العین، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، قم - مؤسسه دارالهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- فیض کاشانی: محمد بن مرتضی (۱۰۹۱ق)، التفسیر الصافی، تحقیق: حسین أعلمی، تهران - مکتبه الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق/۱۳۷۴ش.
- فیض کاشانی: محمد بن مرتضی (۱۰۹۱ق)، الوافی، تحقیق: ضیاء الدین حسینی، اصفهان - مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی العامة، چاپ اول، ۱۴۰۶ق/۱۳۶۵ش.
- فیومی: أحمد بن محمد (حدود ۷۷۰ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، بیروت - المکتبه العلمیة، بی تا.
- قرشی: علی أكبر بن محمد (معاصر)، قاموس قرآن، تهران - دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۵۴ش.
- قمی: علی بن ابراهیم (قرن ۴)، تفسیر القمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، مطبعة النجف/منشورات مکتبه الهدی، ۱۳۸۷ق.
- متقی هندی: علی بن حسام الدین (۹۷۵ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، تحقیق: بکری حیانی و صفوة السقا، بیروت - مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
- مجلسی: محمد باقر (۱۱۱۱ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت - دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- مجمع اللغة العربیة (ابراهیم مصطفی - أحمد زیات - حامد عبدالقادر - محمد النجار): المعجم الوسیط، قاهره - دارالدعوة، بی تا.
- مزی: یوسف بن عبدالرحمن (۷۴۲ق)، تهذیب الکنال فی أسماء الرجال، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت - مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۲م.
- مسلم نیشابوری: مسلم بن الحجاج (۲۶۱ق)، الجامع الصحیح (صحیح مسلم)، بیروت - دارالفکر، بی تا.
- مصطفوی: حسن (۱۳۳۴ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران - مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- نسائی: أحمد بن شعیب (۳۰۳ق)، السنن الكبرى، تحقیق: حسن عبدالمنعم شلبی، بیروت - مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۷م.
- هیثمی: علی بن أبی بکر بن سلیمان (۸۰۷ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت - دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.